فصلنامه علمي اقتصاد و بانكداري اسلامي، شماره پنجاه و هفتم، زمستان۱۴۰۵- صفحات ۵۳۲ -۵۱۳

شناسایی و تبیین مولفه‌های سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران (رویکرد نظریه داده بنیاد)

نوع مقاله: پژوهشی

امیر شاکري[۱]
شیوا حسن پور[۲]
سعید نصیری[۳]
حسین جنت مکان[٤]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۴/۲۷

چکیده

مالیات یکی از عوامل کلیدی توسعه اقتصادی کشورها است. با بروز تکنولوژی و فناوری‌های نوین مبحث تحولات دیجیتال در دستور کار سازمان مالیاتی قرار گرفته است. یکی از زیرساخت‌هایی اثرگذار بر عملکرد کارایی تحولات دیجیتال، مطلوب بودن سطح سرمایه اجتماعی مالیاتی در سطح فردی، سازمانی و جامعه است. بر این اساس هدف تحقیق حاضر ارائه الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران می باشد. روش پژوهش اکتشافی و بازه زمانی سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بوده و بر اساس اصل اشباع نظری و روش گلوله برفی و مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۶ نفر از اعضای هیات علمی متخصص، اعضای سازمان مالیاتی و فناوری اطلاعات؛ الگوی پارادایمی در این حوزه با استفاده از رویکرد داده بنیاد استخراج شد. براساس الگوی پارادایمی مهمترین عوامل علی عبارتند از: سنتی بودن فرآیند مالیات ستانی؛ بالا بودن سطح فرار مالیاتی؛ تغییر ترکیب منابع دولتی؛ ضعف در سرمایه اجتماعی؛ پایین بودن سهم تحولات دیجیتال در حوزه مالیاتی. برای دستیابی به این هدف تحقیق باید راهبردهایی مانند آموزش کارکنان؛ فرآیند دیجیتالی سازی خدمات مالیاتی؛ بهبود سطح سرمایه فرهنگی؛ بهبود سطح سرمایه اجتماعی؛ نظام مالیاتی E-TAX؛ نظام مالیاتی I-TAX؛ استفاده از ابزارهای نوین هوش مصنوعی؛ توسعه خدمات دیجیتال؛ طراحی سیستم‌های پیش هشدار اتخاذ گردد. الگوی پارادایمی نشان داد که سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران؛ پیامدهایی از قبیل بهبود وضعیت شاخص‌های عملکرد خرد و کلان؛ بهبود سطح شفافیت؛ بهبود سطح سرمایه فرهنگی و اجتماعی؛ بهبود کنترل شرکت؛ بهبود سطح رضایت و سودآوری؛ کاهش تقلب و تخلف را در پی خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی مالیاتی، تحول دیجیتال، نظام مالیاتی ایران، فرهنگ سازمانی، فرایندهای مالیاتی.
طبقه‌بندی: H26, M41, O33, Z13

۱ گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران a.shakeri9386@iau.ac.ir
۲ گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) shivahassanpour@iau.ac.ir
۳ گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران sa.nasiri@iau.ac.ir
٤ گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران Ho.jannat1987@iau.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مقدمه

پرداخت مالیات، نوعی قرارداد اجتماعی بین دولت و شهروندان است و شهروندان در مقابل پرداخت مالیات، انتظار دارند دولت خدمات عمومی باکیفیت ارائه دهد. سرمایه اجتماعی مالیاتی بالاتر، یعنی شهروندان به این قرارداد اعتماد دارند که مالیات پرداختی آن‌ها به درستی و در جهت منافع عمومی هزینه می‌شود. این امر مشروعیت دولت را تقویت و احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در میان آحاد مردم گسترش می‌دهد (ژیائو و همکاران[1]، ۲۰۲۵). تحقق مفهوم سرمایه اجتماعی در حوزه مالیات، یک مسیر دو طرفه برای دولت و مردم ایجاد می‌کند. از طرفی برای نظام مالیاتی، مزایایی نظیر افزایش پایدار درآمدهای مالیاتی بدون نیاز به افزایش نرخ مالیات، کاهش هزینه‌های وصول و نظارت و کاهش تقابل فیزیکی، افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام مالیاتی و دسترسی به داده‌های دقیق و قابل اعتماد برای برنامه‌ریزی کلان اقتصادی را در پی دارد و از طرف دیگر، برای مؤدیان؛ مزایایی نظیر کاهش بار اداری و روانی پرداخت مالیات، شفافیت و قابلیت پیش‌بینی در تعامل با سازمان مالیاتی، ارائه خدمات سریع‌تر و شخصی‌تر و احساس برابری و عدالت در سیستم مالیاتی را به ارمغان می‌آورد (هاگمن و وست[2]، ۲۰۲۳). تحول دیجیتال، به عنوان یکی از اجزای اصلی پیشرفت فناوری و بهبود فرآیندهای سازمانی، نقش مهمی در بهینه‌سازی عملکرد سازمان‌های مالیاتی ایفا می‌کند و در نظام مالیاتی اگرچه فرصت‌های بی‌سابقه ای برای بهبود کارایی، شفافیت و دقت فرآیندها ایجاد کرده؛ اما به طور همزمان چالش‌هایی در زمینه اعتماد دیجیتال، حفظ حریم خصوصی، احساس بی‌عدالتی در دسترسی به فناوری و کاهش تعاملات انسانی به همراه آورده است. این چالش‌ها می‌توانند به تضعیف سرمایه اجتماعی مالیاتی و در نهایت کاهش تمایل به رعایت داوطلبانه مقررات مالیاتی منجر شوند (چابوت[3]، ۲۰۲٤). مسئله اصلی این است که در نظام مالیاتی ایران با وجود آغاز فرآیند دیجیتالی‌سازی، چارچوبی منسجم برای تقویت سرمایه اجتماعی مالیاتی تدوین نشده است. شکاف دانشی موجود در این حوزه شامل عدم درک عمیق از ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی مالیاتی در فضای دیجیتال، عدم شناسایی عوامل مؤثر بر تقویت یا تضعیف آن و نبود چارچوبی نظام‌مند برای ارایه الگویی یکپارچه است که بتواند همزمان با بهره‌گیری از مزایای تحول دیجیتال، اعتماد، مشارکت و تعامل سازنده مؤدیان با نظام مالیاتی را نیز تقویت کند. این خلأ نظری و عملی باعث شده است که اقدامات دیجیتالی‌سازی در نظام مالیاتی ایران اغلب با مقاومت مؤدیان، کاهش رضایت و عدم تحقق کامل اهداف بهبود کارایی مواجه شود؛ این تحقیق می‌تواند به حل معضل تاریخی بی‌اعتمادی نسبت به نظام مالیاتی کمک کرده و دیجیتالی‌سازی را از یک فرآیند صرفاً فنی به تحولی اجتماعی-فناورانه ارتقاء دهد. بنابراین ارایه الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال به عنوان یک ضرورت راهبردی برای نظام مالیاتی کشور مطرح است که می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای پذیرش دیجیتالی‌سازی، افزایش رعایت داوطلبانه مقررات مالیاتی و تحقق درآمدهای مالیاتی پایدار شود.

1 Zihao et al.,
2 Hageman & West
3 Chabot

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

دو دیدگاه اصلی در حوزه اهمیت تحولات دیجیتال و جایگاه سرمایه اجتماعی در فرآیند مالیاتی ذینفعان وجود دارد.

نظریه نمایندگی[1]

این نظریه که توسط جنسن و مکلینگ[2] (۱۹۷۹)، ارائه شده است، رابطه بین یک موکل و نماینده را بررسی می‌کند. این رابطه با عدم تقارن اطلاعات و رفتار فرصت‌طلبانه تفسیر می‌شود. مدیران برای به حداکثر رساندن سود پس از مالیات و افزایش درآمد خود، اقدام به اتخاذ استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی[3] می‌نمایند. رابطه بین سهامداران و مدیران در نهایت بر اساس اعتمادی که هر یک از طرفین به دیگری دارند (میزان سرمایه اجتماعی)، شکل می‌گیرد. منافع مدیران عموماً با منافع مالکان همسو نیست. در نتیجه مسائلی مانند تصمیم‌گیری غیربهینه، مسائل اخلاقی و اخذ رانت به دلیل کاهش شفافیت شرکت‌ها می‌تواند؛ رخ دهد. به منظور کاهش این مشکلات، شرکت‌ها ساختارهای حاکمیت شرکتی، حسابرسی‌های داخلی را در داخل شرکت‌های مستقر نموده‌اند تا عملکرد بهینه را تضمین کنند. با با تکیه بر این نظریه، اتخاذ استراتژی‌های استقرار نوآوری، شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا شفافیت اطلاعات را تقویت کنند و در نهایت هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند (گوئو و همکاران[4]، ۲۰۲۳). استفاده از تحولات دیجیتال، شفافیت را افزایش داده، عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران را کاهش داده و اعتبار اطلاعات خروجی را افزایش می‌دهد. استفاده از ابزارهایی مانند کلان‌داده، هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی، نظارت بر فرآیند مالیاتی را تسهیل نموده و ردیابی هرگونه اختلاف در داده‌ها و جلوگیری از هرگونه رفتار مالی غیراخلاقی را ممکن می‌سازد. از سوی دیگر، دیجیتالی شدن شرکت‌ها فرآیندهای آن‌ها را پیچیده می‌کند و می‌تواند ابهام اطلاعات بین مدیران و سهامداران را حتی در برخی امور افزایش دهد، که این امر افزایش مکانیسم‌های کنترل داخلی هزینه‌های نمایندگی را می‌تواند افزایش دهد. میزان کارایی تحولات دیجیتال به محیط نظارتی، ظرفیت‌های اجرایی سازمان مالیاتی، فرهنگ سازمانی و سرمایه اجتماعی بستگی دارد (ژای و همکاران[5] ۲۰۲۲).

نظریه سیگنال[6]

عدم تقارن اطلاعاتی مابین مدیران از یک طرف و مقامات مالیاتی و سهامداران از طرف دیگر، وجود دارد. نظریه‌ای که توسط راس[7] (۱۹۷۷) معرفی شد، بر دو اصل اساسی استوار است: اطلاعات یکسانی در اختیار همه ذینفعان شرکت نیست و در صورت یکسان بودن اطلاعات به یک شیوه تفسیر نمی‌شود. بر اساس این نظریه در زمینه دیجیتالی شدن، دو تفسیر متضاد وجود دارد:

1 Agency Theory
2 Jensen and Meckling
3 Aggressive Tax Strategies
4 Guo et al.,
5 Zhai et al.,
6 Signal Theory
7 Ross

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

الف: دیجیتالی شدن به عنوان یک سازوکار قوی حاکمیتی
شرکت‌هایی که تحول دیجیتال را می‌پذیرند، سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در فناوری‌هایی انجام می‌دهند که به ساده‌سازی فرآیندها و بهبود عملکرد فعالیت‌هایشان کمک می‌کند. تحول دیجیتال عدم تقارن اطلاعات را کاهش می‌دهد و پنهان کردن تراکنش‌های مشکوک را با دشواری روبرو می‌سازد. پیاده‌سازی فناوری‌های دیجیتال مانند ثبت الکترونیکی اظهارنامه، ردپایی دیجیتالی از تمام فعالیت‌های شرکت به جا می‌گذارد و شفافیت فعالیت شرکت را افزایش می‌دهد (ژانگ و شی[1]، ۲۰۲٤).

ب: دیجیتالی شدن، ابزاری برای فرار مالیاتی
شرکت‌ها با پیچیده‌تر کردن فعالیت‌های خود و انجام تراکنش‌های دیجیتالی از طریق کانال‌های ناملموس مانند تجارت الکترونیک، نظارت بر رعایت قوانین مالیاتی را دشوارتر می‌کند. دیجیتالی شدن با تشدید ابهام در تراکنش‌هایی که حجم بسیار بیش‌تری دارند، عدم تقارن اطلاعاتی را افزایش می‌دهد. این امر نظارت سهامداران و مقامات را پیچیده می‌کند و ارزیابی ریسک‌ها و ارتباط فعالیت‌ها را در مقایسه با اهداف و استراتژی بلندمدت شرکت مختل می‌کند و شرکت‌ها روزنه‌ها و شکاف‌های قانونی را پیدا می‌کنند که از آن‌ها برای به حداکثر رساندن سود خود استفاده می‌کنند (ماهوات و همکاران[2]، ۲۰۲۵).
در ادامه خلاصه‌ای از نتایج تحقیقات داخلی و خارجی ارائه شده است.
هاشمی قندعلی و همکاران (۱٤۰٤)؛ اقدام به تحلیل سناریوهای هوشمندسازی نظام مالیاتی و راهبردهای اجرایی در ایران نمودند. نتایج نشان داد سناریوهای هوشمندسازی نظام مالیاتی ایران شامل تحول دیجیتال، ارتقای منابع انسانی هوشمند، استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و بلاک‌چین، ایجاد شفافیت در فرآیندهای مالیاتی، بهبود ساختارهای سازمانی و ارتقای زیرساخت‌های اطلاعاتی است.
جهانی و عرفانی (۱٤۰٤)؛ به بررسی افزایش شفافیت و عدالت مالیاتی از طریق ترکیب فناوری‌های بلاک‌چین و هوش مصنوعی در نظام مالیاتی هوشمند پرداختند. آنان بیان داشتند نظام‌های مالیاتی سنتی با چالش‌هایی مانند فرار مالیاتی، عدم شفافیت و ناکارایی در فرآیندهای وصول مواجه بوده‌اند. در این مطالعه، با تحلیل تجربیات موفق جهانی (مانند استونی و سنگاپور) و مطالعات موردی داخلی (طرح صورتحساب الکترونیکی)، اثربخشی فناوری‌های نوین در افزایش شفافیت و عدالت مالیاتی بررسی شد و چارچوب پیشنهادی در سه لایه فنی (ثبت غیرمتمرکز تراکنش‌ها با بلاک‌چین، تشخیص ناهنجاری‌ها با الگوریتم‌های هوش مصنوعی و پلتفرم کاربردی برای مودیان) و یک لایه حاکمیتی طراحی گردید. یافته‌ها نشان داد که پیاده‌سازی این مدل می‌تواند تا ٪۳۵ فرار مالیاتی را طی سه سال کاهش دهد و زمان پردازش اظهارنامه‌ها را تا ٪۷۰ کاهش دهد؛ همچنین مطالعه موردی در استان تهران نشان داد که درآمد مالیاتی ٪۱۸ افزایش خواهد یافت.
رمضانی و همکاران (۱٤۰۲)؛ به تبیین الگوی بهبود درآمدهای مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی ایران پرداختند یافته های پژوهش، مولفه های درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی را (شرایط علّی:

1 Zhang & She
2 Mahouat et al.,

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ شرایط محوری: ساختار مالیاتی، کاهش فساد مالیاتی، اصلاح سیستم نظارت و اجرا مالیاتی؛ شرایط راهبرد ها: ترویج فرهنگ مالیاتی، کاهش تبعیض مالیاتی و اصلاح سیستم مالیاتی؛ شرایط مداخله گر: اصلاحات قانونی و سیاست های مالیاتی؛ شرایط زمینه ای: سطح توسعه اقتصادی، سطح توانمندی مالیاتی و استقرار نظام مالیاتی عادلانه؛ شرایط پیامدها: افزایش تولید، افزایش قابلیت رقابتی اقتصادی و کاهش فساد مالیاتی) تبیین نمودند.

ژو و همکاران[1] **(۲۰۲۵)**؛ به بررسی سرمایه اجتماعی مالیاتی و تحول دیجیتال شرکت‌های خصوصی از منظر تعدیل ساختار سرمایه انسانی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه مالیاتی، حتی پس از در نظر گرفتن درون‌زایی و تحت آزمون‌های متعدد استحکام، تحول دیجیتال کسب‌وکارهای خصوصی را به طور قابل توجهی بهبود می‌بخشد؛ همچنین سرمایه مالیاتی با بهبود ساختار سرمایه انسانی، افزایش آموزش کارکنان و افزایش تعداد پرسنل غیرروتین و آموزش دیده، به تحول دیجیتال شرکت‌های خصوصی کمک می‌کند و تأثیر بیش‌تری بر ارتقای تحول دیجیتال شرکت‌های خصوصی در مناطقی با سطوح بالاتر بازارگرایی، رقابت شدیدتر در صنعت و محدودیت‌های شدیدتر تأمین مالی دارد. علاوه بر این، این مطالعه رابطه تعاملی بین سرمایه مالیاتی و یارانه‌های دولتی را تأیید نمود.

ژیائو و همکاران[2] **(۲۰۲۵)**؛ به بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر ارتباط پذیرش فناوری دیجیتال، کیفیت نوآوری سبز و بهره‌وری سبز پرداختند. آنان بیان داشتند که پذیرش فناوری دیجیتال با سرمایه اجتماعی همبستگی مثبت دارد و کیفیت نوآوری سبز واسطه رابطه فوق است. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی مدیرعامل به طور قابل توجهی تأثیر مثبت پذیرش فناوری دیجیتال را تقویت می‌کند، در حالی که سرمایه اجتماعی سیاسی مدیرعامل این تأثیر را ندارد. علاوه بر این، نتایج آزمون ناهمگنی نشان داد که پذیرش فناوری دیجیتال به طور قابل توجهی سرمایه اجتماعی شرکت‌های منطقه شرقی را تقویت می‌کند.

ژی و لینگ[3] **(۲۰۲۵)**؛ به بررسی تأثیر دیجیتالی شدن اداره مالیات بر تحول دیجیتال شرکتی پرداختند. نتایج نشان داد که دیجیتالی شدن اداره مالیات به طور قابل توجهی سطح دیجیتالی شدن شرکت‌ها را افزایش می‌دهد و آزمایش‌های مکانیسم نشان می‌دهد که دیجیتالی شدن اداره مالیات به طور مؤثر تحول دیجیتال شرکت‌ها را از طریق اثرات انگیزشی، افزایش بهره‌وری و اثرات صرفه‌جویی در هزینه، تقریباً ۹ درصد ارتقاء می‌دهد.

اسمیت و همکاران[4] **(۲۰۲۳)** در پژوهشی با عنوان "مدلسازی تأثیر تحول دیجیتال بر اخلاق مالیاتی و سرمایه اجتماعی" به این نتیجه رسیدند که دیجیتالی‌شدن فرآیندهای مالیاتی، ادراک از عدالت مالیاتی را بهبود می‌بخشد. یافته‌های مدل‌سازی آن‌ها نشان داد که مؤلفه "شفافیت الگوریتمیک" در سیستم‌های هوشمند مالیاتی، رابطه‌ای مستقیم و مثبت با سرمایه اجتماعی مالیاتی دارد. این پژوهش تأکید می‌کند که تحول دیجیتال صرفاً یک تغییر فنی نیست، بلکه با بازسازی رابطه بین دولت و ملت، باعث تقویت شبکه‌های اعتماد متقابل می‌شود.

1 Zhou et al.,
2 Zihao et al.,
3 Xi & Ling
4 Smith et al.,

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

باسی و همکاران[1] **(۲۰۲۲)** در پژوهشی با بررسی سیستماتیک ادبیات موجود، یک چارچوب جامع برای مدیریت مالیاتی دیجیتال ارائه و بر اهمیت یکپارچگی سیستم‌ها برای کاهش هزینه‌های رعایت قوانین مالیاتی تأکید کرده است.
براون و همکاران[2] **(۲۰۲۲)** در پژوهشی به تبیین رابطه میان تحول دیجیتال و سرمایه اجتماعی مالیاتی پرداختند. آن‌ها در این مطالعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مالیاتی را در سه محور "اعتماد به سازمان"، "احساس عدالت" و "مشارکت دیجیتال" شناسایی کردند. نتایج پژوهش تبیین کرد که ابزارهایی مانند "گزارش‌گری برخط" و "پورتال‌های تعاملی"، با افزایش سطح آگاهی مؤدیان، باعث تبدیل سرمایه اجتماعی فردی به سرمایه اجتماعی جمعی می‌گردد و این امر منجر به کاهش نرخ فرار مالیاتی در مدل‌های پیش‌بینی شده می‌شود.

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش و مبانی نظری ارائه شده می‌توان بیان داشت؛ پژوهشی از منظر الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بسترتحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران در تحقیقات داخلی و خارجی ارائه نشده است؛ همچنین اکثر تحقیقات در حوزه مالیات، از روش‌های کمی و آزمون فرضیه‌های از پیش تعیین شده استفاده می‌کنند. نوآوری این تحقیق در به کارگیری روش داده‌بنیاد است که به جای آزمون نظریه‌های موجود، یک نظریه بومی و زمینه‌محور مستقیماً از داده‌های گردآوری‌شده از ذی‌نفعان نظام مالیاتی ایران (مودیان، کارکنان، مدیران، کارشناسان) استخراج می‌کند.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی و جامعه پژوهش شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه؛ حسابداران-حسابرسان، مدیران مالی و فناوری اطلاعات و خبرگان حوزه مالیاتی که نسبت به کارکردهای سرمایه اجتماعی در حوزه مالیاتی و تحولات دیجیتال آگاهی دارند. رویکرد نمونه‌گیری بر اساس اصل اشباع نظری و تکنیک گلوله برفی انجام شد. برای دستیابی به هدف این مقاله، روش‌شناسی داده‌بنیاد رویکرد اشتراوس و کوربین(نظام مند) به عنوان مناسب‌ترین روش انتخاب شد. از آنجایی که در خصوص مدل ارائه الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی مبتنی بر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران، چارچوب شناخته شده‌اي وجود ندارد رویکرد داده‌بنیاد از کارایی بالایی برخوردار است. داده‌بنیاد معمولاً یک رویکرد استقرایی است (کن-جیامی و همکاران[3]، ۲۰۲۲) که با هدف توسعه یک نظریه یا توضیح با بررسی کامل طیف وسیعی از موارد فردی از طریق فرآیندی که به عنوان مقایسه مداوم شناخته می‌شود، انجام می‌شود. بنابراین تحقیق حاضر از نظر منطق استدلال، استقرایی می باشد. این پژوهش از منظر بعد زمانی، مقطعی است؛ زیرا مصاحبه‌ها در بازه سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵ انجام شده‌اند. از منظر هدف، کاربردی و از منظر نتایج پژوهش به دلایل پیش رو، توسعه ای می باشد: ۱-پژوهشی با موضوع ارایه الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران، در کشور انجام نشده است ۲- نتایج این پژوهش به ارائه یک الگو منتج می‌شود ۳- یافته‌های این پژوهش دانش موجود را در زمینه الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی مبتنی بر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران توسعه می‌دهد. در این پژوهش از روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است.

1 Bassey et al.,
2 Brown et al.,
3 Ken-Giami et al.,

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

در کدگذاري باز، محقق پيش از آن كه به تعيين نحوه تغييرات و نوسانات مقوله‌ها در قالب ابعاد مترتب بر آن‌ها بپردازد، در صدد توليد مقوله‌ها و ويژگي‌هاي مترتب بر آن‌ها است. در کدگذاري محوري نيز، محقق به شكلي نظام‌يافته به دنبال توسعه مقوله‌ها و ربط دادن مقوله‌ها به زيرمقوله‌هاي مترتب بر آن‌ها است. کدگذاري انتخابي دو مرحله کدگذاري پيشين را با يكپارچه‌سازي و پالايش مقوله‌ها در چارچوبي نظري تكميل مي‌كند. در يكپارچه‌سازي، مقوله‌ها حول پديده اصلي يا محوري سازماندهي مي‌شوند. فرآیند انجام رویکرد داده‌بنیاد ، یک روش پژوهش سیستماتیک شامل کشف نظریه از داده‌ها می‌شود. این روش از یک فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل ساختاریافته به نام روش مقایسه‌ای مداوم استفاده می‌کند که شامل مقایسه هر نقطه داده برای تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها است. این روش برای درک و توضیح یک پدیده با استخراج مفاهیم، سازه‌ها، روابط و اصول استفاده می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع، نیاز بود تا از خبرگانی مصاحبه شود که ضمن برخورداری از تخصص‌های چندگانه، آشنایی کامل با مبانی و ماهیت تحول دیجیتال و سرمایه اجتماعی مالیاتی داشته باشند. برخی افراد نمونه در حوزة خود تصمیم‌گیرنده و بنام بودند که ابتدا مصاحبه نیمه ساختار یافته از آن‌ها شروع شد؛ سپس با پیش رفتن پژوهش و گردآوری و تحلیل داده‌ها، برای شناخت بهتر مفاهیم و مقوله‌ها با سایر افراد خبره در حوزه مالیاتی مصاحبه صورت گرفت. بدین ترتیب در سال ۱٤۰٤ - ۱٤۰٥با ۲٦ صاحب نظر مطابق جدول (۱)، مصاحبه به عمل آمد. از مصاحبه ۲۳ام به بعد داده جدیدی در مصاحبه‌های به عمل آمده وجود نداشت و در مصاحبه ۲٦ام از اشباع نظری اطمینان معقول حاصل گردید. شایان ذکر است که مصاحبه شونده‌ها در حوزة کاری خود دارای بیش از ۱٥سال سابقة کار حرفه‌ای داشتند و افراد دانش آموخته کارشناسی ارشد یا دکتری بوده‌اند. متوسط زمان هر مصاحبه با هر یک از متخصصان و خبرگان بین ٥۰ تا ٦۰ دقیقه بوده است.

جدول ۱: ویژگی‌های مشارکت کنندگان

معیار اصلی	جنسیت		مدرک تحصیلی		تجربه کاری		سمت/موقعیت شغلی			
معیار فرعی	مرد	زن	کارشناسی ارشد	دکتری	بیش از ۱٥ سال	بیش از ۲۰سال	عضو هیات علمی	مدیر ارشد مالیاتی	حسابدار و مدیر مالی	خبرگان حوزه فناوری اطاعات
تعداد	۲۰	٦	٦	۲۰	۷	۱۹	۷	۱۰	٦	۳

یافته‌های پژوهش

براي تجزيه‌وتحليل داده‌ها از نرم‌افزار مكس كيودا استفاده شده است. در اين پژوهش، به طور خلاصه مصاحبه‌ها با طرح ۶ سوال به شرح ذيل صورت پذيرفته است:

عوامل علی در الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران چه کدامند؟

عوامل مداخله‌گر در الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران کدامند ؟

عوامل زمینه‌ای در الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران کدامند ؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

عوامل راهبردی در الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران کدامند ؟
عوامل پیامدی در الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران کدامند ؟
الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران چگونه است؟
در ادامه اقدام به استخراج کدهای باز، کدهای محوری و انتخابی شده است.

عوامل علی

شرایط علّی مقوله‌هایی هستند که مقوله‌ی اصلی را بوجود می‌آورند و به وقوع و گسترش پدیده مدنظر کمک می‌کند؛ بیش‌تر با واژگانی نظیر وقتی که، درحالی که، از آنجا که و ... به علت ختم می‌شوند.

جدول ۲: مقوله‌های علی سرمایه اجتماعی مالیاتی مبتنی بر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران

مقوله فرعی	مولفه‌ها	مفاهیم
سنتی بودن فرآیند مالیات ستانی	حکمرانی داده	ضعف در جمع‌آوری اطلاعات مودیان مالیاتی،اجرای ماده ۱۶۹ ق.م.م، جریان آزاد اطلاعات اقتصادی
	بالا بودن شکاف مالیاتی	بازه طولانی در حوزه وصول مالیات، قوانین موازی و تفاسیر شخصی از آن‌ها
بالا بودن سطح فرار مالیاتی	فرار مالیاتی غیرقانونی	فرار مالیاتی، سیاست مالیاتی تهاجمی ، پولشویی، بازی پانزی،تقلب در صورت‌های مالی
	قانونی	اجتناب مالیاتی ، مدیریت سود، تحریف اطلاعات، عدم افشای اطلاعات
تغییر ترکیب منابع دولتی	افزایش سهم مالیاتی	پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی مستقیم، پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی غیرمستقیم
	کاهش سهم درآمدهای نفتی	کاهش اتکا به درآمدهای نفتی،افزایش پیچیدگی اقتصادی، بهبود تنوع در صادرات
ضعف در سرمایه اجتماعی	فردی	محدودیت آزادی فردی، بالا بودن سطح فشارهای گروهی
	سازمانی	نداشتن پیوندهای قوی و محدودیت در شبکه‌های اجتماعی، ضعف در اعتماد عمودی و افقی، بوروکراسی هراسی ، پایین بودن سطح مشارکت، ساختار هرمی در سازمان، مقاومت در برابر تغییر و دانش جدید، تحمیل ساختارهای رسمی بیش از حد
	جامعه	تفکیک‌پذیری بالای اجتماعی، ضعف و نابرابری در نهادهای جامعه مدنی (دین، آموزش، خانواده، سیاست)، کاهش مشارکت مدنی
تحولات دیجیتال	فردی	کمبود مهارت‌های دیجیتالی و سواد فناوری، مقاومت در برابر تغییر، ضعف در حوزه امنیت اطلاعات
	سازمانی	شکاف مهارتی، مقاومت فرهنگی و سازمانی، آموزش ناکافی در حوزه فناوری‌های نوین
	جامعه	اختلاف در دسترسی به شبکه‌های دیجیتال و اطلاعات، تهدیدهای دیجیتال (پخش اطلاعات نادرست)

بر اساس نتایج ۳۸ مفهوم و کد باز، در قالب ٦ مولفه و ٥ مقوله فرعی در حوزه عوامل علی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران شناسایی شدند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری‌اند که به پدیده‌ها تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. آن‌ها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند یا آن‌ها را محدود و

جدول ۳: مقوله‌های مداخله‌گر سرمایه اجتماعی مالیاتی مبتنی بر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران

مقوله فرعی	مولفه‌ها	مفاهیم
ساختار شرکت	زیرساخت‌های فنی-حقوقی	ضعف در تجهیزات سخت‌افزاری،ضعف در بسترهای نرم‌افزاری، ضعف در بسترهای کاربردی، ضعف در بسترهای حقوقی،نبودن الزام قانونی در توسعه و پیاده‌سازی فناوری‌های نوین در شرکت‌های بورسی ، خلاء استانداردهای فناوری، ضعف نظارتی در پیاده‌سازی فناوری‌ها، ریسک‌های حقوقی و قراردادی در حوزه استفاده از خدمات فناوری‌های نوین، هزینه‌های بالا و مزایای ناملموس
	ریسک‌های فرآیندی	منحنی یادگیری (انتقال به نرم‌افزار جدید نیازمند زمان برای یادگیری است)، پیچیدگی ادغام (فرآیند ادغام حسابداری ابری ممکن است پیچیده باشد)
	فرهنگی - اجتماعی	فقدان فرهنگ شفافیت و پاسخ‌گویی،پایین بودن دانش و آگاهی کارکنان از کاربرد فناوری، ریسک اعتیاد به محیط‌های دیجیتال و آسیب‌های اقتصادی و روانی،احتمال افزایش نابرابری‌های دیجیتال، عدم توجه به اخلاق دیجیتال
	چالش‌های انتقال داده‌ها	ریسک‌های پشتیبانی فضاهای ابری و هوش مصنوعی،عدم پشتیبانی ارائه کننده خدمات فناوری‌های نوین، وابستگی به فروشنده فضاهای ابری، سفارشی‌سازی محدود
	امنیتی	مالکیت داده‌ها ، تهدیدات سایبری، نگرانی در خصوص افشای اطلاعات، تهدیدات سایبری، خطرات امنیتی و هکرها
	فرآیندهای سنتی فعالیت	سهم پایین فعالیت‌های دیجیتالی در سازمان مالیاتی، عدم تعادل در عرضه و تقاضای کالا و خدمات دیجیتالی در سازمان مالیاتی، ساختارهای ایستا و سنتی، انگیزه پایین در پذیرش فناوری
ساختار نیروی انسانی	نیروی انسانی	ضعف در نیروهای حرفه‌ای در حوزه کاربردی نمودن تحولات دیجیتال
	عوامل مدیریتی	عمیق نبودن دانش و آگاهی مدیران از کاربرد فناوری‌های نوین،عدم حمایت مدیران و مقاومت در برابر تغییر و مهندسی مجدد، راهبردها و سیاست‌های ناکارآمد مدیریتی

بر اساس نتایج ۳۲ مفهوم و کد باز، در قالب ۸ مولفه و ۲ مقوله فرعی در حوزه عوامل مداخله‌گر موثر بر سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران شناسایی شدند.

عوامل زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای، مجموعه خاصی از شرایط است که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌شوند تا مجموعه اوضاع، احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. در جدول (٤)، اهم گزاره‌های کلامی موجود در پاسخ هر یک از صاحب‌نظران به این سؤال دیده می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

جدول ٤: عوامل زمینه‌ای الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی مبتنی بر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران

مقوله فرعی	مولفه‌ها	مفاهیم
تحول دیجیتال	شرایط تحول دیجیتال	سرعت تغییرات سیاست‌های امنیتی و فناوری،آهنگ تغییرات نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهای عصر دیجیتال،سرعت تغییرات الزامات استانداردها در حوزه نرم افزارها،تغییر در الگوهای ارزش آفرینی، اثرپذیری تغییرات دیجیتالی بر فرآیندهای سازمانی،توانمندی در ایمن‌سازی داده‌های سازمانی، جامعه‌پذیری اکوسیستم‌های مبتنی بر ابر،پارادایم‌های تجاری فناوری اطلاعات
عوامل فرهنگی	فرهنگ درون سازمانی	عدالت مالیاتی در بین مؤدیان،اطلاع‌رسانی و آگاهسازی از فرآیند تحولات دیجیتالی مالیات، فرهنگ پذیرش سیستم‌های جدید در بین کارکنان، فرهنگ دیجیتال‌گرایی
	فرهنگ برون سازمانی	ارتقاء فرهنگ جامعه در مقابله با قانون گریزی،فضای اعتماد مابین مؤدیان و سازمان مالیاتی،آموزش و فرهنگ‌سازی در خصوص سواد دیجیتالی
عوامل محیطی	عوامل اقتصادی	شرایط تحریم، شرایط جنگ و بی‌ثباتی منطقه‌ای، تفاوت مالکیت دولتی و خصوصی، شرایط اقتصادي جامعه، ثبات اقتصادي، ساختار اقتصادی کشور، وجود شرکت‌هاي متقلب و کاغذي، سطح فساد گسترده، اختلاس و اخلال بازار، بازار ارز و قاچاق کالا و ارز ،ضعف در نظام مالیاتی،تورم افسار گسیخته، عدم قطعیت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی
عوامل سازمانی	سرمایه انسانی- اجتماعی	نیروهای با مهارت عالی و با دانش در موسسه،امنیت شغلي،میزان خوش‌نامی و اعتبار اولیه موسسه/ شرکت، میزان اعتماد شرکت‌ها و صاحبکاران و ذینفعان و مشتریان به فرآیند انجام فعالیت‌ها
	ساختار سازمانی	محیط کار تخصصی،رعایت قوانین و مقررات، فرآیندها و روش‌هاي‌کاري، سیاست‌گذاري

بر اساس نتایج ٣٦ مفهوم و کد باز، در قالب ٦ مولفه و ٤ مقوله فرعی در حوزه عوامل زمینه‌ای موثر بر سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران شناسایی شدند.

مقوله اصلی(محوری)

مقوله اصلی، مقوله‌ای است که حول آن روابط یک الگو شکل گرفته و تعیین می‌گردد. این مقوله، همان مقوله‌ای است که می‌توان سایر مقوله‌ها را به آن مرتبط ساخت و در اغلب داده‌ها اثر آن قابل مشاهده است. کدگذاري محوري، بافت غليظ از روابط حول محورهاي يك مقوله است و مقوله‌هاي اصلي كه از كدگذاري باز به دست آمده‌اند، با يكديگر مرتبط مي‌شوند. از بین مقوله‌ها، مقوله "سرمایه اجتماعی در بستر تحولات دیجیتال نظام مالیاتی" به عنوان مقوله اصلی در نظر گرفته شده و در مرکز الگو قرار گرفته است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

جدول ۵: مقوله‌های محوری شناسایی الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی مبتنی بر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران

مقوله فرعی	مولفه‌ها	مفاهیم
سرمایه اجتماعی	فردی	سرمایه معنوی،سرمایه فکری،بلوغ فکری،ویژگی‌های روانی،باورها و ارزش‌ها،ارتباطات بین، فردی، اعتماد بین افراد، اعتماد اجتماعی، عدالتخواهی، صداقت، پایگاه اجتماعی، باورهای دینی و مذهبی، اخلاق و فضیلت اخلاقی، احساس تعهد و تعلق، وفاداری، وجدان کاری
	سازمانی	دارایی نامشهود، ارتباطات بین گروهی، ارتباطات بین فرد و سازمان، مشارکت اجتماعی تعاون، اتحاد و روحیه جمعی، همبستگی و انسجام، هم‌افزایی و سنرژی، رهبری و کوچینگ، سبک رهبری و مدیریت، فرهنگ سازمانی، هویت فرهنگی محیط اجتماعی، سرمایه انسانی، انضباط اجتماعی، تخصص‌گرایی، شایسته سالاری
تحول دیجیتال	فردی	مهارت‌های دیجیتالی، سواد فناوری، اخلاق دیجیتال، شخصی‌سازی خدمات مالیاتی
	سازمانی	مهارت دیجیتال، فرهنگ دیجیتال ، خودکارسازی فرآیندهای مالیاتی، عدالت دیجیتال، هوشمندسازی فرآیند مالیاتی، آنالیز کلان داده، حکمرانی داده-محور، شفافیت فرآیندها، بهبود عدالت مالیاتی

بر اساس نتایج ٤٥ مفهوم و کد باز، در قالب ٤ مولفه و ٢ مقوله فرعی در حوزه عوامل محوری موثر بر سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران شناسایی شدند.

راهبردها

راهبردها مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مدنظر هستند. راهبردها مقصود دارند و هدفمند صورت می‌گیرند.

جدول ٦: عوامل راهبردی در الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی مبتنی بر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران

مقوله فرعی	مولفه‌ها	مفاهیم
حوزه آموزش	آموزش کارکنان	آموزش مهارت‌های متناسب با نظام مالیاتی هوشمند (آموزش ضمن خدمت)، انتقال دانش ضمنی حوزه دیجیتال بر اساس رویکردهای نوین کوچینگ در سازمان مالیاتی، انتقال دانش غیرضمنی حوزه دیجیتال بر اساس رویکردهای نوین کوچینگ در سازمان مالیاتی، توجه ویژه به کارکنان اداره امور مالیاتی که داراي مهارت و تجربه بالایی در حوزه فناوری‌های نوین هستند،آموزش کارمندان به صورت تئوریک از طریق برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی
حوزه فرآیندها	فرآیند دیجیتالی سازی خدمات مالیاتی	مدل تکامل دیجیتال (وب سایت‌ها، خدمات الکترونیکی شخصی، مدیریت اسناد الکترونیکی و گزارش)، سازماندهی کامل دیجیتال فرآیندهای مدیریت (برنامه‌های تلفن همراه «مالیات من»، خدمات فعال فردی)، پلتفرم تطبیقی (پلتفرم‌های فناوری اطلاعات خدمات مالیاتی و پرداخت‌کنندگان مالیات را در حالت بلادرنگ زمانی که تعهدات مالیاتی به طور خودکار با انطباق مالیات داخلی انجام می‌شود را ترکیب می‌کند)
حوزه سرمایه	بهبود سطح سرمایه فرهنگی	سیاست‌های بهبود انصاف مالیاتی، سیاست‌های بهبود تلاش مالیاتی، سیاست‌های بهبود عدالت مالیاتی، سیاست‌های بهبود انصاف مالیاتی، سیاست‌های بهبود روحیه مالیاتی، سیاست‌های کاهش پیچیدگی مالیاتی، توسعه فرهنگ اخلاقی و مسئولیت‌پذیری مالی،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

مقوله فرعی	مولفه‌ها	مفاهیم
اجتماعی- فرهنگی		آموزش مستمر درباره قوانین و مزایای مالیات، آموزش مالی و حسابداری شخصی، یادگیری مدیریت مالی شخصی، سیاست‌های کاهش استرس مالیاتی
	بهبود سطح سرمایه اجتماعی	تشویق شرکت‌ها به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کاهش اجتناب مالیاتی، تشویق افراد به مسئولیت‌پذیری اجتماعی جهت کاهش فرار مالیاتی، آموزش و آگاهی‌رسانی درباره مزایای مالیات و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی، ارائه مشوق‌های هدفمند و تشویق مشارکت شهروندان،آموزش مستمر مدیران و کارکنان در حوزه اخلاق و خدمات مالیاتی، تشکیل انجمن‌های مالیاتی در اصناف،ایجاد فضاهای ارتباطی (کنفرانس، وبینار، شبکه‌های اجتماعی) برای تبادل نظرات با مودیان، آموزش و افزایش سواد مالیاتی در جامعه، به‌ویژه در نهادهای آموزشی و رسانه‌های جمعی،
مؤلفه‌های کارکردی نظام مالیاتی هوشمند	نظام مالیاتی E-TAX[1]	اظهارنامه الکترونیکی (E-File)، داده‌های الکترونیکی کنش‌های اقتصادی مؤدیان (E-Accounting)، فرآیند الکترونیکی وصول و حسابداری مالیاتی، فرآیند دادرسی مالیاتی، فرآیند خدمات الکترونیکی مؤدیان، سیستم یکپارچه اطلاعاتی، تدوین سند تعاملی CHART RICI (نحوه پاسخگویی نقش‌ها و مسئولیت‌ها)، تدوین الگوی فرآیندی APQCحاکمیتی همراه با فرآیندهای اصلی امور مالیاتی
	نظام مالیاتی I-TAX [2]	تطبیق هوشمند داده‌های اقتصادی (I-Match)، حسابرسی هوشمند (I -Audit)، توسعه استراتژی حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک، اظهارنامه پیشفرض هوشمند (I-File)، تکمیل اقلام مندرجات اظهارنامه پیش‌فرض I–Assess ، فناوری‌های هوشمندسازی
	استفاده از ابزارهای نوین هوش مصنوعی	استفاده از رویکردهای ابری، استفاده از رویکردهای مبتنی بر فناوری بلاک چین، استفاده از رویکردهای مبتنی بر یادگیری عمیق و یادگیری ماشین، استفاده از رویکردهای مبتنی بر فناوری متاورس، استفاده از رویکردهای مبتنی بر اینترنت اشیا، استفاده از رویکردهای مبتنی بر هوش مصنوعی در فرآیند داده‌کاوی، استفاده از رویکردهای مبتنی بر سیستم‌های توصیه‌گر، استفاده از رویکردهای مبتنی بر تحلیل گراف
	خدمات دیجیتال	توسعه پلتفرم‌های حوزه ارائه خدمات مالیاتی،طراحی نرم‌افزارهای حوزه مالیاتی،تولید محتوی دیجیتال، شعب الکترونیک ارائه خدمت مالیاتی، استقرار استاندارد ITI ،ایجاد داشبورد مدیریتی، کنترل آنلاین فرآیندهای سازمانی،بهبود سطح شبکه‌های دیجیتال
استفاده از رویکردهای پیش‌هشدار	طراحی سیستم‌های پیش هشدار	مشکوک بودن در معاملات اشخاص وابسته، ماهیت عمدی یا غیر عمدی بودن تحریفات، اتخاذ سیاست‌های مالیات تهاجمی و فرار مالیاتی

بر اساس نتایج ۵۹ مفهوم و کد باز، در قالب ۹ مولفه و ۵ مقوله فرعی در حوزه عوامل راهبردی موثر بر سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران شناسایی شدند.

پیامدها

پیامدها نتایجی‌اند که بر اثر راهبردها و شکل‌گیری مقوله اصلی پدیدار می‌شوند و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند. در صورت پیاده‌سازی راهبردهای بیان شده و اجرای مدل پژوهش، می‌توان شاهد پیامدهایی به شرح زیر باشیم:

۱ در E-TAX مکانیزاسیون و یکپارچه‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی و فرآیندهای مالیاتی انجام می‌گردد.
۲ در I-TAX، طراحی و استقرار نظام مالیاتی هوشمند دنبال می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

جدول ۷: مقوله‌های پیامدی الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی مبتنی بر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران

مقوله فرعی	مولفه‌ها	مفاهیم
بهبود وضعیت شاخص‌های عملکرد خرد و کلان	بهبود شاخص‌های کلان	بهبود فضای کسب و کار دیجیتالی،بهبود سطح، رشد اقتصادی، بهبود توسعه اقتصادی، بهبود سطح رفاه، اجتماعی، کاهش عدم قطعیت اقتصادی، کاهش سهم درآمدهای نفتی در بودجه (ثبات بودجه)، بهبود نرخ رشد سرمایه‌گذاری، بهبود ضریب جینی، کاهش سطح حجم اقتصاد سایه و زیرزمینی، کاهش حجم اقتصاد گزارش نشده، کاهش فعالیت‌های مرتبط با بازار سیاه، اشتغال زایی
	بهبود شاخص‌های شرکتی	افزایش ثبات و تاب آوری، کاهش نوسان در نقدینگی، بهبود مدیریت ریسک، بهبود سطح نوآوری، کاهش سطح فرار مالیاتی، کاهش سطح اتخاذ استراتژی مالیات جسورانه (متهورانه یا پرخاشگرانه)، ارتقای بلوغ دیجیتالی
بهبود سطح شفافیت	بهبود سطح عدالت	بهبود سطح عدالت افقی مالیاتی، بهبود سطح عدالت عمودی مالیاتی، توزیع عادلانه بار مالیات، ساختار روشن مالیات‌ها، بهینه‌سازی مالیات‌ها، ارتقای عدالت اجتماعی، بهبود سطح انصاف مالیاتی، بهبود سطح روحیه مالیاتی، بهبود سطح تلاش مالیاتی، افزایش سطح فراگیری مالیاتی، افزایش سطح اعتماد به دولت، بهبود دمکراسی دیجیتالی
	افزایش شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعات	افزایش شفافیت درآمدهای مالیاتی، بهبود شناسایی مؤدیان جدید، کاهش شکایات مالیاتی و کاهش زمان دادرسی، ایجاد شفافیت مالی (در سطح تمکین کنندگان، سازمان و دولت)
بهبود سطح سرمایه فرهنگی و اجتماعی	بهبود سطح سرمایه فرهنگی	ارتقای اعتماد عمومی و فرهنگ مالیاتی، ارتقای اعتماد دیجیتال، ترویج فرهنگ تمکین مالیاتی، تقویت فرهنگ مشتری مداری، تقویت فرهنگ دیجیتال، بهبود فرهنگ یادگیری و توسعه فردی، ارتقای فرهنگ سازمانی داخلی، توسعه فرهنگ رفتاری و حرفه‌ای
	بهبود سطح سرمایه اجتماعی	بهبود سطح مدیریت دانش اجتماعی، بهبود سطح تعامل مالیاتی، بهبود سطح هم افزایی در حوزه مالیاتی، تقویت رفتار حرفه‌ای کارکنان سازمان مالیاتی، بهبود اشتراک تجربه و مربیگری در سازمان مالیاتی، عدالت در توزیع وظایف میان کارکنان، ارتقای سلامت روان سازمانی
بهبود کنترل شرکت	بهبود مدیریت ریسک	بهبود شناسایی مؤدیان پر ریسک، مدیریت ریسک فناوری اطلاعات، استقرار سیستم مدیریت ریسک
	بهبود فرآیندهای سازمانی	جابجایی و برون‌سپاری فرآیندهای مالیاتی،بهبود سطح کنترل مالیاتی، خودکارسازی کارهای مالیاتی، بهبود پیش‌بینی در درآمدهای مالیاتی، کاهش بروکراسی اداری،بهبود حاکمیت فناوری اطلاعات ،بهبود حاکمیت داده
	کنترل هزینه‌ها	افزایش نرخ تمکین داوطلبانه، کاهش هزینه‌های تمکین، افزایش ثبات و پایداری سهم مالیات از منابع بودجه عمومی، کاهش هزینه‌های وصول، افزایش سرعت و ایجاد سهولت در وصول مالیات، کاهش معوقات
بهبود سطح رضایت و سودآوری	سودآوری	بهبود شناسایی مؤدیان جدید، افزایش درآمدهای مالیاتی، بهبود نسبت مشارکت
	افزایش رضایت	افزایش رضایت ذینفعان، افزایش رضایت ماموران مالیاتی،رعایت حقوق ذینفعان،بهبود پذیرش ذینفعان،افزایش مقبولیت مالیاتی،حرکت به سمت خدمت محوری
کاهش تقلب و تخلف	کاهش فساد مالی	افزایش توانایی در کشف تحریفات صورت‌هاي مالی، کاهش تقلب، کاهش فساد، جلوگیری از کلاهبرداری‌هایی مانند پولشویی و بازی پانزی، ارتقای سلامت اداری، شناسایی گلوگاه فساد در فرآیندهای مالیاتی

بر اساس نتایج ۸۱ مفهوم و کد باز، در قالب ۱۲ مولفه و ٦ مقوله فرعی در حوزه عوامل پیامدی موثر بر سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران شناسایی شدند.

الگوی مناسب سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران چگونه است؟

در پاسخ به سؤال مذکور، از کدگذاری گزینشی بهره گرفته شده است. هدف از کدگذاری گزینشی ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری محوری است. در مرحله کدگذاری گزینشی ارتباط مقوله اصلی با سایر مقولات مشخص شد. در این مرحله، طبقات اصلی و فرعی با یکدیگر مرتبط شدند تا مفاهیم نظری به منظور طراحی الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران استخراج گردد. این اقدامات باعث شد تا پژوهش‌گر بتواند مفاهیم به دست آمده در مراحل کدگذاری باز و محوری را یکپارچه کند و از آن‌ها به منظور ارائه مدلی برای الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی استفاده کند. به این منظور در قالب

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

روش تحقیق کیفی با استفاده از پارادیمی که کوربین و استراس (۲۰۰۷)، ارائه کرده‌اند نقش مقولات استخراج شده را در قالب مدل پارادایمی شناسایی نمودیم.

در پژوهش حاضر جهت اعتبار و روایی داده‌ها و نتایج پژوهش از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیرشرکت‌کننده در پژوهش (۵ نفر از اعضای هیات علمی متخصص و صاحب نظر در حرفه حسابداری) استفاده و پس از دریافت نظرهای اصلاحی و مشاوره ویرایش لازم انجام و مدل نهایی ارائه شد.

در بررسی پایایی نیز از رویکرد دلفی جهت اطمینان از ثبات نتایج بهره گرفته شد. از یک چک‌لیست ۷ گزینه‌ای با مقیاس لیکرت طراحی شده تا براساس دو معیار میانگین با حد مطلوبیت «۵/۰۰» و ضریب توافق با حد مطلوبیت «۰/۵۰» تعیین‌کننده‌ی میزان پایایی معیارهای شناسایی شده باشد؛ لذا نتایج این فرآیند در جدول (۸)، ارائه شده است.

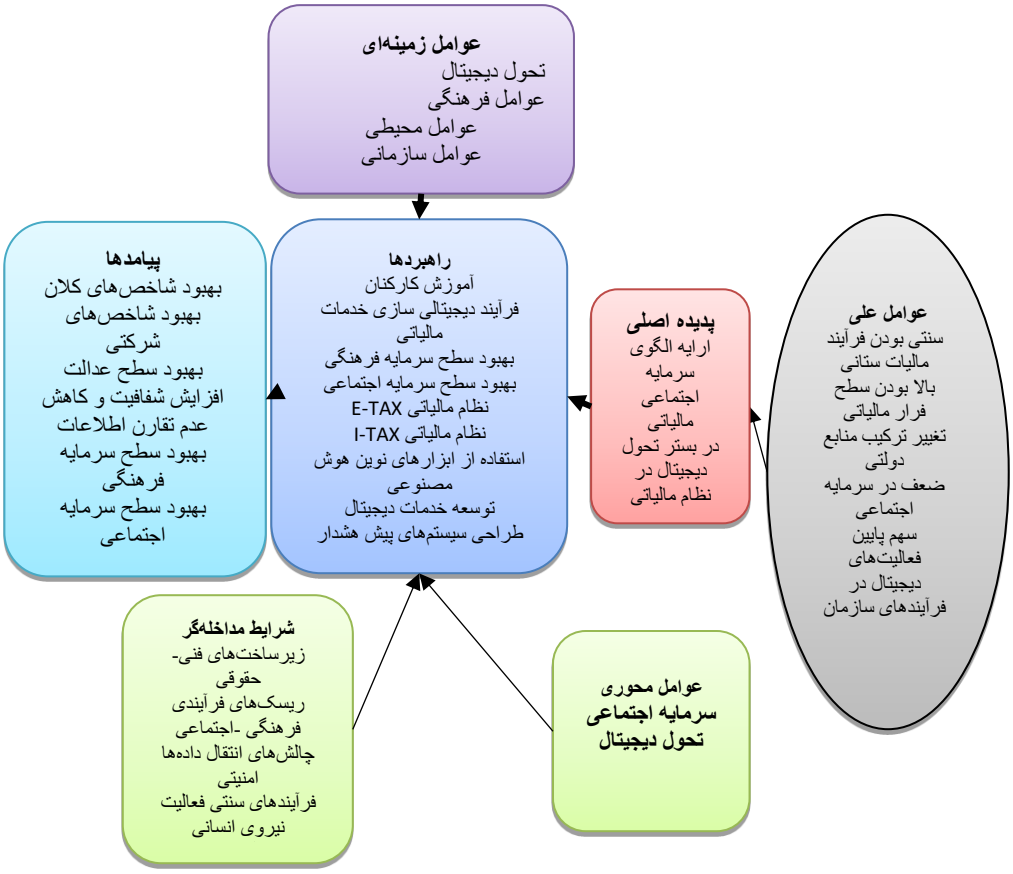

نمودار ۱: کدگذاری گزینشی بر اساس الگوی پارادایمی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

جدول ۸: نتیجه پایایی مضامین گزاره‌ای در راستای مولفه‌های محوری

مولفه‌های محوری	مضامین مفهومی	دور اول تحلیل دلفی		دور دوم دلفی		نتیجه	
		میانگین	ضریب توافق	میانگین	ضریب توافق	☑	⊗
عوامل زمینه‌ای	تحول دیجیتال	۵/۲۰	۰/۶۰	۵/۳۰	۰/۶۵	☑	-
	عوامل فرهنگی	۵/۴۰	۰/۷۰	۵/۶۰	۰/۷۸	☑	-
	عوامل محیطی	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۵۰	۰/۷۵	☑	-
	عوامل سازمانی	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۱۵	۰/۸۴	☑	-
عوامل علی	سنتی بودن فرآیند مالیات ستانی	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۵۰	۰/۷۵	☑	-
	بالا بودن سطح فرار مالیاتی	۵/۲۵	۰/۶۲	۵/۳۵	۰/۶۸	☑	-
	تغییر ترکیب منابع دولتی	۵/۵۰	۰/۷۵	۵/۶۰	۰/۷۸	☑	-
	ضعف در سرمایه اجتماعی	۵/۴۵	۰/۷۲	۵/۶۵	۰/۸۰	☑	-
راهبردها	آموزش کارکنان	۵/۰۰	۰/۵۰	۵/۲۰	۰/۶۰	☑	-
	فرآیند دیجیتالی سازی خدمات مالیاتی	۵/۳۵	۰/۶۸	۵/۴۵	۰/۷۲	☑	-
	بهبود سطح سرمایه فرهنگی	۶/۱۰	۰/۸۳	۶/۳۰	۰/۸۸	☑	-
	بهبود سطح سرمایه اجتماعی	۵/۴۰	۰/۷۰	۵/۵۰	۰/۷۵	☑	-
	نظام مالیاتی E-TAX	۵/۱۵	۰/۵۸	۵/۲۵	۰/۶۲	☑	-
	نظام مالیاتی I-TAX	۵/۰۵	۰/۵۲	۵/۱۰	۰/۶۰	☑	-
	استفاده از ابزارهای نوین هوش مصنوعی	۵/۴۵	۰/۷۵	۵/۴۸	۰/۷۶	☑	-
	خدمات دیجیتال	۵/۱۸	۰/۵۹	۵/۲۷	۰/۶۴	☑	-
	طراحی سیستم‌های پیش هشدار	۵/۰۴	۰/۵۱	۵/۱۱	۰/۶۴	☑	-
پیامدها	بهبود شاخص‌های کلان	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۱۰	۰/۸۳	☑	-
	بهبود شاخص‌های شرکتی	۵/۲۰	۰/۶۰	۵/۳۵	۰/۶۸	☑	-
	بهبود سطح عدالت	۵/۵۰	۰/۷۵	۵/۶۰	۰/۷۸	☑	-
	افزایش شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعات	۶/۱۰	۰/۸۳	۶/۳۰	۰/۸۸	☑	-
	بهبود سطح سرمایه فرهنگی	۵/۰۴	۰/۵۱	۵/۱۱	۰/۶۴	☑	-
	بهبود سطح سرمایه اجتماعی	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۱۰	۰/۸۳	☑	-
	بهبود مدیریت ریسک	۵/۲۰	۰/۶۰	۵/۳۵	۰/۶۸	☑	-
	بهبود فرآیندهای سازمانی	۵/۰۴	۰/۵۱	۵/۱۱	۰/۶۴	☑	-
	کنترل هزینه‌ها	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۱۰	۰/۸۳	☑	-
	سود آوری	۵/۴۹	۰/۸۱	۵/۵۶	۰/۸۳	☑	-
	افزایش رضایت	۶/۳۰	۰/۷۵	۶/۴۰	۰/۷۹	☑	-
	کاهش فساد مالی	۵/۳۰	۰/۸۰	۵/۵۰	۰/۸۶	☑	-
عوامل محوری	سرمایه اجتماعی	۵/۴۰	۰/۷۰	۵/۶۵	۰/۷۹	☑	-
	تحول دیجیتال	۶/۰۰	۰/۸۰	۶/۱۰	۰/۸۲	☑	-
شرایط مداخله‌گر	زیرساخت‌های فنی-حقوقی	۵/۳۰	۰/۶۵	۵/۶۰	۰/۷۷	☑	-
	ریسک‌های فرآیندی	۵/۳۴	۰/۶۷	۵/۶۵	۰/۷۹	☑	-
	فرهنگی -اجتماعی	۵/۱۴	۰/۵۳	۵/۱۴	۰/۶۶	☑	-
	چالش‌های انتقال داده‌ها	۶/۳۰	۰/۸۴	۶/۱۵	۰/۸۵	☑	-
	امنیتی	۵/۲۱	۰/۶۲	۵/۳۸	۰/۶۹	☑	-
	فرآیندهای سنتی فعالیت	۵/۱۴	۰/۵۳	۵/۱۴	۰/۶۸	☑	-
	نیروی انسانی	۶/۱۰	۰/۸۲	۶/۱۷	۰/۸۵	☑	-
	عوامل مدیریتی	۵/۲۲	۰/۶۱	۵/۳۷	۰/۶۹	☑	-

نتایج بدست آمده براساس حد آستانهٔ تعیین شده در مطلوبیت ارزیابی معیارهای تحلیل دلفی، نشان می‌دهند که تمامی کدهای محوری استخراج شده از کفایت و پایایی لازم برخوردار هستند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف تحقیق ارایه الگوی سرمایه اجتماعی مالیاتی در بستر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران است. بر اساس اصل اشباع نظری و روش گلوله برفی و مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۶ نفر از اعضای هیات علمی متخصص، اعضای سازمان مالیاتی و فناوری اطلاعات؛ الگوی پارادایمی در این حوزه با استفاده از رویکرد داده بنیاد استخراج شد. براساس الگوی پارادایمی مهم‌ترین عوامل علی عبارتند از: سنتی بودن فرآیند مالیات ستانی؛ بالا بودن سطح فرار مالیاتی؛ تغییر ترکیب منابع دولتی؛ ضعف در سرمایه اجتماعی؛ پایین بودن سهم تحولات دیجیتال در حوزه مالیاتی. برای دستیابی به این هدف تحقیق باید راهبردهایی مانند آموزش کارکنان؛ فرآیند دیجیتالی سازی خدمات مالیاتی؛ بهبود سطح سرمایه فرهنگی؛ بهبود سطح سرمایه اجتماعی؛ نظام مالیاتی E-TAX؛ نظام مالیاتی I-TAX؛ استفاده از ابزارهای نوین هوش مصنوعی؛ توسعه خدمات دیجیتال؛ طراحی سیستم‌های پیش هشدار اتخاذ گردد. الگوی پارادایمی نشان داد که سرمایه اجتماعی مالیاتی مبتنی بر تحول دیجیتال در نظام مالیاتی ایران؛ پیامدهایی از قبیل بهبود وضعیت شاخص‌های عملکرد خرد و کلان؛ بهبود سطح شفافیت؛ بهبود سطح سرمایه فرهنگی و اجتماعی؛ بهبود کنترل شرکت؛ بهبود سطح رضایت و سودآوری؛ کاهش تقلب و تخلف را در پی خواهد داشت.

یافته‌های پژوهش حاضر که در قالب یک الگوی پارادایمی استخراج گردید، تبیین‌کننده یک مدل جامع برای گذار از نظام مالیاتی سنتی به نظام هوشمند در بستر سرمایه اجتماعی است. در تحلیل عوامل زمینه‌ای، شناسایی مؤلفه‌های «فرهنگی، محیطی، سازمانی و تحول دیجیتال» به عنوان بستر اصلی، نشان می‌دهد که پذیرش فناوری در نظام مالیاتی ایران، صرفاً یک تصمیم فنی نیست، بلکه ریشه در فرهنگ سازمانی و محیط کلان اقتصادی دارد. این یافته با نتایج ژیائو و همکاران (۲۰۲۵) هم‌سویی دارد که در پژوهش خود تأکید کردند پذیرش فناوری دیجیتال با سرمایه اجتماعی و ویژگی‌های محیطی (مانند بازارگرایی و رقابت) همبستگی مثبت دارد. در واقع، مدل حاضر تأیید می‌کند که تحول دیجیتال در ایران، در بستری از عوامل سازمانی و فرهنگی شکل می‌گیرد که تعیین‌کننده میزان پذیرش راهبردهای نوین است.

در تحلیل عوامل علی، شناسایی «سنتی بودن فرآیندها» و «ضعف در سرمایه اجتماعی» در این بستر زمینه‌ای، با یافته‌های رمضانی و همکاران (۱۴۰۲) هم‌سویی دارد که بر لزوم اصلاحات رفتاری و کاهش فساد برای بهبود درآمدهای ملی تأکید داشتند. این امر نشان می‌دهد که در محیط مالیاتی ایران، تضاد میان «عوامل زمینه‌ای دیجیتال» و «عوامل علی سنتی»، فشار برای تغییر و استقرار راهبردهای نوین را افزایش می‌دهد.

در حالی که مدل‌های جهانی (مانند مدل براون و همکاران ۲۰۲۲) بر جنبه‌های مثبت مشارکت دیجیتال تأکید دارند، مدل حاضر نشان می‌دهد که در ایران، حرکت از «علت» به «راهبرد»، تحت تأثیر شدید سدهایی نظیر «زیرساخت‌های فنی-حقوقی»، «ریسک‌های امنیتی» و «چالش‌های انتقال داده‌ها» قرار دارد. این یافته‌ها حاکی از آن است که حتی در حضور عوامل زمینه‌ای مساعد، بدون مدیریت صحیح ریسک‌های فرآیندی و بازنگری در متون حقوقی، راهبردهای دیجیتال با مقاومت مواجه خواهند شد. همچنین، تأکید بر «عوامل مدیریتی» و «نیروی انسانی» به عنوان شرایط مداخله‌گر، با نتایج ژو و همکاران (۲۰۲۵) راستی‌آزمایی می‌شود که ارتقای سرمایه انسانی را پیش‌شرط موفقیت تحول دیجیتال می‌دانستند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

در سطح راهبردها، تأکید این مدل بر به‌کارگیری نظام‌های E-TAX و I-TAX و ابزارهای هوش مصنوعی، به‌طور مستقیم نتایج پژوهش هاشمی قندعلی و همکاران (۱۴۰۴) و جهانی و عرفانی (۱۴۰۴) را تأیید می‌کند. این پژوهش‌ها بر این باورند که فناوری‌های نوین نه تنها ابزارهایی برای وصول مالیات، بلکه سازوکارهایی برای ایجاد شفافیت و عدالت هستند. در واقع، راهبردهای پیشنهادی در مدل حاضر، پاسخی مستقیم به تضاد میان «عوامل زمینه‌ای» و «شرایط مداخله‌گر» هستند تا از طریق دیجیتالی‌شدن، فرصت‌های تقلب را کاهش دهند.

از منظر پیامدها، مدل استخراج شده نشان می‌دهد که تحول دیجیتال منجر به «بهبود شفافیت»، «کاهش تقلب» و «ارتقای سرمایه فرهنگی و اجتماعی» می‌گردد. این یافته در راستای دیدگاه اسمیت و همکاران (۲۰۲۳) است که «شفافیت الگوریتمیک» را عامل تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی می‌دانستند. همچنین، بهبود شاخص‌های عملکرد خرد و کلان در پیامدهای مدل حاضر، با نتایج ژی و لینگ (۲۰۲۵) مطابقت دارد که دیجیتالی شدن اداره مالیات را منجر به افزایش بهره‌وری و اثرات صرفه‌جویی در هزینه‌ها دانستند.

دستاورد بنیادین این تحقیق در مقابل پژوهش‌های پیشین، ارائه یک «مدل بومی و زمینه‌محور» است. نوآوری این مدل در این است که تحول دیجیتال را نه یک متغیر مستقل، بلکه یک «فرآیند تعاملی» می‌بیند که در آن، عوامل محیطی و سازمانی (زمینه) و چالش‌های حقوقی-امنیتی (مداخله‌گر) تعیین می‌کنند که راهبردهای دیجیتال چگونه منجر به بازسازی سرمایه اجتماعی مالیاتی و در نهایت ارتقای رضایتمندی مودیان و بهره‌وری نظام مالیاتی گردد.

پیشنهاد می‌گردد با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در بهبود فرآیندهای عملیاتی، سازمان مالیاتی با همراه ساختن شهروندان با اهداف نظام مالیاتی و با تغییر دیدگاه آنان به مقوله مالیات، میزان تمکین داوطلبانه را افزایش دهد. بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی در این حوزه و مدیریت تغییر سازمانی برای کاهش مقاومت در برابر نوآوری‌های دیجیتال ضروری است و باید استراتژی‌هایی برای بهبود پذیرش فناوری توسط کارکنان و مودیان تدوین شود. سازمان امور مالیاتی می‌تواند با اولویت‌بندی مؤلفه‌های شناسایی شده به عنوان مؤلفه‌های مؤثر در هر شاخص و با استفاده از روش‌ها، ابزارها و فناوری‌های جدید و به روز، توانمندی‌های خود را حداقل به میزان نیازهای شناسایی شده ارتقاء دهد تا امکان مدیریت سازمان مالیاتی هوشمند، عملیاتی گردد. طراحی و ارزیابی اثربخشی یک پلتفرم تعاملی دیجیتال برای ارتقاء فرهنگ مالیاتی و مشارکت مودیان با هدف ایجاد یک پلتفرم آنلاین (مانند یک وب‌اپلیکیشن یا بخش ویژه در وب‌سایت سازمان) که به طور خاص برای آموزش مودیان، پاسخگویی به سوالات رایج، ارائه اطلاعات شفاف در مورد قوانین و مقررات، و تسهیل فرآیندهای مشارکتی (مانند نظرسنجی) طراحی شده است پیشنهاد می‌گردد. با توجه به اهمیت تحولات دیجیتال در سازمان مالیاتی؛ بهینه‌سازی فناوری و فرآیند باید مداوم باشد و بازخورد مالیات‌دهندگان، که از طریق ابزارهای دیجیتال مانند نظرسنجی‌های آنلاین جمع‌آوری می‌شود، باید برای اصلاح و ارتقای خدمات دیجیتال استفاده شود. تحلیل داده‌های کلان [1] رفتار مودیان برای شناسایی الگوهای عدم تمکین و طراحی مداخلات هدفمند با هدف استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از سامانه‌های الکترونیکی برای شناسایی الگوهای رفتاری که منجر به عدم تمکین مالیاتی می‌شود و طراحی راهکارهای پیشگیرانه یا اصلاحی پیشنهاد می‌گردد.توسعه و پیاده‌سازی سیستم مدیریت ارتباط

1 Big Data

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

با مودیان (CRM) مبتنی بر هوش مصنوعی برای شخصی‌سازی خدمات و افزایش رضایت با هدف ایجاد یک سیستم پیشرفته که بتواند تاریخچه تعاملات، پروفایل و نیازهای هر مودی را تحلیل کرده و خدمات، اطلاع‌رسانی‌ها و راهنمایی‌های شخصی‌سازی شده‌ای را از طریق کانال‌های دیجیتال ارائه دهدپیشنهاد میشود. به سازمان‌ها و سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌گردد بدین امر توجه داشته باشند که فرآیند بکارگیری تحولات دیجیتال در سازمان مالیاتی یک رویکرد دوگانه - ترکیب پیشرفت‌های تکنولوژیکی با برنامه‌های سوادآموزی هدفمند - برای بهبود مؤثر انطباق مالیاتی ضروری است. ابتکارات آینده باید بر ساده‌سازی رابط‌های دیجیتال، ارائه آموزش‌های عملی و ایجاد یک محیط حمایتی برای پر کردن شکاف بین اجرای سیاست‌ها و رفتار مالیات‌دهندگان متمرکز شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

منابع

۱. جهانی، نیما، عرفانی، علیرضا. (۱۴۰۴). افزایش شفافیت و عدالت مالیاتی از طریق ترکیب فناوری‌های بلاک‌چین و هوش مصنوعی در نظام مالیاتی هوشمند، نشریه پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه، ۶(۳)، ۱۱-۳۲.

۲. رمضانی بهرام, ملکی چوبری مجتبی, خردیار سینا. (۱۴۰۲). تبیین الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی مبتنی بر اصلاحات رفتاری نظام مالیاتی. فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی،(۴۶)،۳۰۱-۳۱۹.

۳. هاشمی قندعلی، عیسی، مکوندی، فواد، رستمی‌نیا، رضا، کیانی، عزت‌الله، و چناری، وحید. (۱۴۰۴). آینده‌پژوهی هوشمندسازی نظام مالیاتی کشور (با رویکرد سناریونویسی). مجله خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۱۶(۵۷)، ۱–۲۰.

4. Bassey, E., Mulligan, E., & Ojo, A. (2022). A conceptual framework for digital tax administration-A systematic review. *Government Information Quarterly*, *39*(4), 101754.

5. Brown, T., Schmidt, O., & Lee, C. (2022). Explaining the nexus between digital government transformation and tax social capital: Evidence from OECD countries. Journal of Digital Governance & Policy, 12(1), 88-110.

6. Chabot, G. (2024). Ethique et planification fiscale aggressive. Les r´eponses des minist`eres des Finances aux planifications fiscales trop agressives ou abusives. Cabinet Mallette. 1(4), 28–39.

7. Guo, T., Cheng, H., Zhou, X., Ai, S., Wang, S. (2023). Does corporate digital transformation affect the level of corporate tax avoidance? Empirical evidence from Chinese listed tourism companies. Finance Research Letters, 57(2), 104-121.

8. Hageman, A., West, A. (2023). Research on experimental tax and ethics in the 21st century: Taxpayers, tax professionals, and beyond. In M. Brivot, & C. Cho (Eds.), Handbook on accounting and ethics, 126–154.

9. Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1979). Rights and production functions: An application to labor-managed firms and codetermination. The Journal of Business, 52(4), 469–506.

10. Ken-Giami, I., Simandjuntak, S., Yang, L., Coats, A., Ken-Giami, I., Simandjuntak, S., Yang, L., & Coats, A. (2022). A Grounded Theory Approach to Uncovering the Process of How Sustainability Topics Influence Women Engineers' Career Choice and Engagement. Sustainability, 14(9), 14-32.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]

11. Mahouat, N., Azenzoul, A., Nait Slimane, S., Es-Sanoun, M., Mokhlis, K., Jbene, M. Corporate Governance and Tax Aggressiveness: The Moderating Role of Audit Quality. Journal of Risk and Financial Management 2025, 19, 10.
12. Ross, S. A. (1977). A theory of corporate finance. The Journal of Finance, 32(2), 341-357.
13. Smith, J., Rahman, M., & Zhao, X. (2023). Modeling the impact of digital transformation on tax morale and social capital: A cross-country analysis. Journal of Tax Administration & Digital Economy, 15(2), 112-134.
14. Strauss, A., Corbin. J. (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd Ed., Sage.
15. Xi, W., Xing, L. (2025). Can the digitalization of tax administration promote corporate digital transformation? empirical evidence from China. International Review of Economics & Finance, 7(5). 100-124.
16. Zhai, H., Yang, M., Chan, K.C. (2022). Does digital transformation enhance a firm's performance? Evidence from China. Technology in Society, 68(2), 101-141.
17. Zhang, Q., She, J. (2024). Digital transformation and corporate tax avoidance: An analysis based on multiple perspectives and mechanisms. PLoS ONE, 19(9), 31-41.
18. Zhou, J., Xuexin, L., Zhe, W. (2025).Tax neutrality and digital transformation of private enterprises: From the perspective of human capital structure adjustment. International Review of Financial Analysis, 4(3), 14-30.
19. Zihao, J., Jiarong, S., Zhiying, L. (2025). Digital technology adoption, green innovation quality, and green productivity in Chinese high-speed train sector: The role of heterogeneous CEO social capital. Research in Transportation Business & Management, 1(6), 15-29.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-26]